



تأثیر رسانه‌ها بر زندگی زنان

همواره زنان را در موضع ضعف قرار می‌دهد و از آن‌ها شخصیت‌هایی منفعل و متکی به دیگران ارائه می‌کند. با مانور و تأکید غلط بر ضعف جسمانی زنان و تأکید بر توانایی‌های جسمانی مردان، استعدادها و توانایی‌های زنان به عنوان یک انسان نادیده گرفته می‌شود و هویت مستقل ایشان کم‌رنگ جلوه می‌کند. این مسئله گاه در ناخودآگاه افراد به عنوان یک قاعده پذیرفته و باعث می‌شود بعضاً زنان نیز آن را قبول کنند و به آن اعتراضی نداشته باشند. جای تأسف است که فیلم‌سازان نیز رویه تاریخ‌نویسان را پیش گرفته و کمتر به نقش تأثیرگذار زنان، این نیمه فعال جامعه در طول تاریخ و وقایع آن پرداخته‌اند.

در نهایت، رسانه‌ها با توجه به قدرت و توانایی‌ای که دارند می‌توانند در جهت تلاش برای حل معضلات زنان و کمک به این قشر، به آسیب‌ها و مشکلات بانوان و پیگیری راه‌حل‌ها و مطالباتشان بپردازند و به وضع قوانین حمایتی جدید کمک کنند. مهم‌تر از همه در راستای فرهنگ‌سازی و ایجاد بستر فکری در سطح جامعه و هم‌چنین در راه آموزش صحیح و آگاه‌سازی و خودباوری زنان تلاش کنند تا زنان به شأن و جایگاهی که شایسته آن‌اند دست یابند.

پوسترها و پنه‌ها در سراسر جهان که در آن‌ها از زیبایی‌ها و جذابیت‌های جنسی زنان برای اغوای مشتریان استفاده شده است گواه این مدعاست. این سوءاستفاده از زنان از تبلیغات برندهای مشهور پوشاک و عطر گسترده است. البته در ایران به دلیل وضع قوانین اسلامی چنین مواردی روبه‌رو نیستیم اما متأسفانه شاهد استفاده از زنان برای فروش و عرضه خودرو در نمایشگاه‌ها بوده‌ایم. خوشبختانه اقدامات و پیگیری‌هایی در جهت مبارزه با این پدیده در سراسر دنیا شکل گرفته و بعضاً به نتایج مطلوبی نیز رسیده است.

به نظر می‌رسد صنعت مد و برگزاری مسابقاتی چون ملکه زیبایی و دختر شایسته نیز دیدی مشابه موارد قبل داشته و بیشتر بر عرضه و نمایش زنان تمرکز دارند تا ارزش‌های دیگری که مدعی آن هستند.

این استفاده ابزاری از جنس زن برای جلب تماشاچی بیشتر، در صنعت فیلم‌سازی نیز رایج است. متأسفانه عموماً در صنعت فیلم‌سازی نگاه تبعیض‌آمیزی به زنان وجود دارد و در بیشتر موارد، قهرمان داستان‌ها یک مرد است تا مظهر قدرت شناخته شده و موقعیت برتری مردان را تقویت کند. این امر خواسته یا ناخواسته موجب تقویت تفکر مردسالارانه می‌شود،

امروزه نقش رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی و نفوذ در نگرش و باور افراد در سطح جامعه بر کسی پوشیده نیست. این امر همواره با اثرگذاری‌های مثبت و منفی همراه بوده است. گاه در جهت مثبت برای نمونه برای آگاه‌سازی و ترویج فرهنگ‌های درست بین اقشار جامعه و گاه در جهت منفی نمود پیدا کرده است.

ارتباط و نقش رسانه در زندگی زنان نیز به همین منوال دارای دو بعد مثبت و منفی است. پرداختن به جایگاه و نقش زن و اهمیت حضور وی در خانواده را می‌توان به عنوان اقدامات مثبت رسانه‌ها در این باره برشمرد اما متأسفانه نقش منفی رسانه‌ها درباره زنان پررنگ‌تر بوده است. از جمله آن می‌توان به تولید برنامه‌های سرگرم‌کننده بدون بار آموزشی و محتوای مفیدی اشاره کرد که مخاطبان آن زنان خانه‌دار هستند که صرفاً برای گذران وقت به تماشای آن می‌نشینند.

مسئله مهم و درخور توجه بعدی استفاده ابزاری از زنان در تبلیغات برای جلب توجه بیشتر است که متأسفانه روز به روز شاهد بیشتر شدن آن هستیم. نمونه‌های فراوان



شهربانو

۳شنبه
۱۷ آبان ۱۴۰۱
۱۲ ربيع الثاني ۱۴۴۴
شماره ۳۸۰۴

(۲)

زنان در فعالیت‌های اجتماعی و بشر دوستانه

بشر دوستی یعنی تمایل به کمک، درک مشکلات اجتماعی، اقتصادی، محیط‌زیست و همه عواملی که سبب ایجاد انگیزه برای کمک به دیگران می‌شوند. این صفت آن قدر مهم است که در تقویم جهانی روزی برای بشر دوستی نام‌گذاری شده است.

زنان نیز با اختصاص وقت، هزینه و قابلیت‌هایی که دارند نقش مؤثری در ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالیت‌های بشر دوستانه دارند. در طول تاریخ و در بسیاری از جوامع، کوشش‌های بشر دوستانه زنان سبب ایجاد جامعه مدنی و رفاه اجتماعی بیشتر شده است. زنان با کسب درآمد و تحصیل هم‌چنان در حال تغییر و تحول اقتصادی هستند. رشد

این شاخص‌ها در سال‌های اخیر مشارکت زنان را در فعالیت‌های اجتماعی بشر دوستانه بیشتر کرده است. پایه، اساس و رشد بسیاری از صفات در خانواده تعریف می‌شود. استفاده از فعالیت‌های بشر دوستانه برای تقویت ارتباط با خانواده، اجتماع و کل جهان اثرگذار است. بیشتر تحقیقات نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از زنان نیکوکار احساس می‌کنند که فرزندانشان هم‌چنان سنت خود را در زمینه خیرخواهانه ادامه می‌دهند. تمایل به درگیر کردن دیگران در فعالیت‌های خیرخواهانه و تحریک روحیه بشر دوستانه در هم‌سالان و هم‌چنین نسل بعدی بخشندگان در زنان بیش از مردان مشاهده می‌شود. گاهی بین دولت و خانواده یک دیوار بی‌اعتمادی وجود دارد. خانواده‌ها به روش‌های تربیتی و آموزشی دولتی اعتقادی ندارند و اینجاست که نقش خود را بسیار پررنگ‌تر ایفا می‌کنند.

روابط بین زنان و رفتارهای انسان دوستانه همیشه قوی بوده و تأثیر زنان در اعمال انسان دوستانه را نمی‌توان نادیده گرفت.

بنیادهای خصوصی و مؤسسات خیریه اختصاص یافته برای جمع‌آوری کمک‌های مالی و معنوی از سوی زنان و دختران با سرعتی بیش از بنیادهای عمومی و دولتی جامعه رشد کرده‌اند.

اهدای خیرخواهانه از طریق زنان، مستقیم یا از طریق بودجه زنان، بر بهبود کیفیت زندگی و فرصت‌های دختران و زنان متمرکز است. رشد کارآفرینی و صندوق‌های زنان حاکی از پذیرش فزاینده این ایده است که سرمایه‌گذاری‌های بشر دوستانه در زنان و دختران می‌تواند تحولات مثبتی در جوامع سراسر جهان ایجاد کند. به طور کلی، یکی از عوامل ترغیب انسان در کمک‌های بشر دوستانه ایجاد حس رضایت و سرخوشی در کمک به هم‌نوع است و دیدن نتایج فعالیت‌های بشر دوستانه باعث اعتلای فرد بشر دوست خواهد شد. زنان سازنده هستند و ارزش‌های زندگی از طریق آنان پشتیبانی می‌شود. آن‌ها خالق نسل هستند و نقش عظیمی در تربیت، رشد و تعالی خانواده سالم دارند. بنابراین یک زن به عنوان یک عضو سازنده اجتماع وظیفه سنگینی در تربیت و اصلاح افرادی دارد که علاوه بر خود، زندگی دیگران نیز برای آن‌ها حائز اهمیت باشد.

آینده برای جامعه‌ای روشن‌تر است که زنان به طور فزاینده‌ای بایستند، صحبت و مشارکت کنند، توانایی‌های انسان دوستانه خود را نشان دهند و مهربانی را رواج دهند.



شهری بدون زنان کارتن‌خواب



اطلاق واژه کارتن‌خواب به نوعی از زیست برای بخشی از افراد جامعه به معنای محور قرار دادن ظاهر برجسته زندگی این افراد است. توجه به نماد بیرونی کوه یخی از آسیب‌های اجتماعی که همان خوابیدن روی تکه‌های مقوا شکل و شمایل آن را تشکیل می‌دهد. کارتن‌های مقوایی که در دسترس‌ترین محافظ برای افرادی است که شاید هیچ تعلق‌ی به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه ندارند و یا نمی‌خواهند داشته باشند، افرادی که شاید بتوان آن‌ها را پیشانی‌زنجیره آسیب‌های اجتماعی قلمداد کرد. از این جهت که معضل کارتن‌خوابی به مسئله‌ای چندوجهی تبدیل می‌شود.

بیشتر افراد کارتن‌خواب گرفتار مسائلی چون اعتیاد، بیماری‌های ذهنی و خشونت‌های خانگی هستند اما نمی‌توان شکل‌گیری و تداوم این پدیده را صرفاً در همین مسائل که وجوه فردی کارتن‌خوابی هستند خلاصه کرد، بلکه عوامل ریشه‌ای بزرگ‌تری چون فقر پایدار و شرایط حاکم اقتصادی نیز تأثیر بسیاری بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و کارتن‌خوابی دارد.

گذشته از این، چنانکه برمی‌آید انتخاب این سبک از زیست برای افراد چه از سر اختیار چه از سر اجبار، ریشه در مسئله‌ای پراهمیت‌تر دارد. در واقع، علاوه بر نگاهی که خود این افراد به نحوه زیستشان دارند و آنچه مشکلات اقتصادی بر سر آن‌ها آورده است، طردشدگی مهم‌ترین و همه‌شمول‌ترین صفتی است که آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تضعیف شبکه خانواده به عنوان آنچه در گذشته و پیش از گسترش شهرنشینی مهم‌ترین حامی افراد در مواجهه با مسائل و به نوعی مانعی برای خارج شدن از شبکه خانواده و جامعه بوده است سبب گردهم آمدن همه آسیب‌های اجتماعی زیر سقف کارتن‌خوابی شده است.

در واقع، این وجه از کارتن‌خوابی مسئله خانواده و انسجام ناشی از عضویت در آن را مورد توجه بیشتری قرار می‌دهد، موضوعی که ضعف بیشتر آن بیش از پیش پای زنان را نیز به این سبک زیست باز کرده است و بر تداوم و شدت آن تأثیر می‌گذارد. حسب آمارهای منتشر شده، بیش از ۱۰ درصد کارتن‌خواب‌ها زنان هستند. زنانی که احتمالاً طردشدگی برای آنان تأثیر بیشتری در مقایسه با مردان بر جای می‌گذارد و به نوعی بازگشت آنان را برای زندگی در محیط جامعه و خانواده سخت‌تر از مردان می‌کند، خود، زاینده آسیب‌های اجتماعی بیشتری هستند. افزایش بیماری‌هایی چون ایدز، روابط نامشروع و تولد کودکان حاصل این روابط که احتمال تغییر سبک زندگی آنان از زیستن زیر سقف‌های پوشالی تقریباً نزدیک به صفر است، قوز بالای قوزی است که به اقدامات زیرساختی و مهم‌تری در ریشه کردن کوه یخ مشکلات بستگی دارد.



لیلی رحمانی